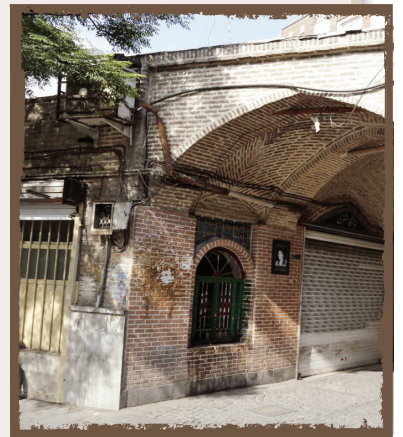




زمزمه «یا عباس» روبه روی پنجره سبز



نام: سقاخانه بازارچه استاد علی
موقعیت: شوش، خیابان تختی، خیابان شهیدمحمدرضا باعاطفه پور

کاسب‌های بازارچه استاد علی در خیابان تختی باور دارند که این پنجره کوچک نزدیک‌ترین مسیر برای اتصال به باب‌الحوایج ابوالفضل عباس (ع) است. آنها سال‌هاست از آب سقاخانه می‌نوشند و ذکر سلام بر حسین (ع) را زمزمه می‌کنند.

در محله تختی بازارچه‌ای قدیمی با طاق هشتی وجود دارد که روزگار قدیم به بازارچه استاد علی معروف بود. این بازارچه امروز به نام بازارچه اسلامی یا بازارچه خیابان شهید محمدرضا باعاطفه پور معروف است؛ خیابانی که با یک سقاخانه قدیمی آغاز می‌شود؛ سقاخانه‌ای قدیمی که طبق عددی که روی کاشی‌هایش مشخص است، سال ۱۳۲۰ ساخته شده و نذر آب کسبه برای تأمین آب سقاخانه خاطر خوشی است که از این بازارچه به یادگار مانده است.

علی مولایی، از اهالی قدیمی محله می‌گوید: «وجود یخچال‌های قدیمی در محله خانی‌آباد باعث شده بود که سقاخانه‌های این محدوده آب بسیار گوارا و خنکی داشته باشند. بیشتر سقاخانه‌ها بایخ حاصل از این یخچال‌های قدیمی پر می‌شدند؛ به خصوص تابستان در یخچال‌ها را باز می‌کردند و یخ‌های تکه‌تکه شده را در کاسه مخصوص آب سقاخانه‌ها قرار می‌دادند. سقاخانه بازارچه استاد علی همه روزهای سال آب داشت؛ یعنی کسبه اجازه نمی‌دادند آبش تمام شود.»

نذر آب برای سقاخانه رسم معروف و باسابقه کسبه این بازارچه بود. مولایی می‌گوید: «سقاخانه تا ۸ سال پیش فعال بود. زمانی که فروشنده‌های قدیمی بازارچه رفتند، وضعیت تغییر کرد. در گذشته سقاخانه متولی خاصی نداشت. هر کاسبی نذر می‌کرد تا مسئول پر کردن آب سقاخانه باشد. مثلاً یکی نذر می‌کرد ۲ ماه این وظیفه را برعهده بگیرد و دیگری ۶ ماه نذر می‌کرد تا ظرف آب سقاخانه را پر کند. این محله هیئت‌های زیادی دارد. بسیاری از هیئت‌ها هم نذر آب سقاخانه را برای حاجت‌روا شدن انجام می‌دادند.»



سنگاب ۱۵۰ ساله در همسایگی بازار نایب آقا

دست نیست. حدادی معتقد است که شواهد نشان می‌دهد حاج عباسعلی از لوطی‌های دست‌به‌جیب تهران بوده و این بنای تاریخی را وقف رفع تشنگی مردم کرده است: «در آن دوره، لوطی‌ها برای کمک به معاش مردم، حجره‌هایشان را زیر بازارها راه می‌انداختند و یک سقاخانه هم در همان حوالی بنا می‌کردند. سقاخانه عزیزمحمد در همسایگی بازار نایب آقا و بازار چهارسوق چوبی قرار دارد و به‌نظر می‌رسد مطابق چنین ایده‌ای ساخته شده است.»

مقرنس کاری‌های سقاخانه عزیزمحمد شبیه ورودی مساجد تاریخی تهران است و سنگابی که با گذشت زمان آسیب‌دیده یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد این سقاخانه است. حدادی در این باره می‌گوید: «در روزگار قدیم، سنگ‌های بزرگی از جنس خارا وجود داشت که داخل آنها را خالی می‌کردند تا شبیه کاسه شود و به آنها سنگاب می‌گفتند. سنگاب‌ها این خاصیت را داشتند که آب از آنها عبور نمی‌کرد و آب را خنک نگه می‌داشتند. سقاخانه عزیزمحمد یکی از معدود سقاخانه‌های تهران است که سنگاب دارد و این ویژگی منحصر به فرد آن به حساب می‌آید.»

در روزگار کم‌آبی تهران برای رفع تشنگی مردم وقف کردند.»

بنای سقاخانه عزیزمحمد به دوره حکومت ناصرالدین‌شاه تعلق دارد و برای ساخت آن از کاشی‌های نفیس استفاده شده است. برخی منابع مکتوب این سقاخانه را به‌عنوان یکی از مجلل‌ترین سقاخانه‌های تهران قدیم معرفی کرده‌اند و آینه‌کاری‌هایی که در بدنه آن به‌کار رفته در کنار کاشی‌کاری‌ها و مقرنس‌کاری‌های منحصر به فرد جلوه خاصی به آن بخشیده است. حدادی می‌گوید: «سقاخانه عزیزمحمد باید بعد از ۱۱۷ آذرماه ۱۲۴۶ ساخته شده باشد؛ چرا که در آن برهه، خندق عتیق تهران در خیابان شاپور سابق و وحدت اسلامی فعلی بوده و اساساً محله امیریه وجود نداشته است. بعد از پر شدن خندق عتیق، محله‌هایی مثل امیریه و منیریه شکل می‌گیرد و سقاخانه عزیزمحمد همان موقع در خیابان فروش ساخته شده است. بنابراین، قدمت این سقاخانه بیشتر از ۱۵۰ سال نیست.»

در باره هویت حاج عباسعلی که از او به‌عنوان بانی سقاخانه عزیزمحمد نام می‌برند، اطلاعات دقیقی در



شمایل سقای کربلا در باغچه علیخان

نام: سقاخانه علیخان (خدابنده‌لو)

موقعیت: خیابان ناصر خسرو، کوچه خدابنده‌لو

و تاریخچه این سقاخانه می‌گوید: «محله عودلاجان از قدیمی‌ترین محله‌های تهران است که روزگاری در محدوده ارک سلطنتی قرار داشت. سقاخانه خدابنده‌لو هم که قدمتش به دوران قاجار می‌رسد، روزگاری در محدوده حیاط شاهی و محله‌ای که بسیاری از رجال قاجار در آن زندگی می‌کردند، بنا شد و یکی از آثار به‌جامانده از آن دوران است. قدیمی‌ها به این سقاخانه، سقاخانه باغچه‌علیخان هم می‌گفتند؛ چون بانی این سقاخانه فردی به نام علیخان یکی از رجال دوران قاجار بود که باغچه‌ای در این محدوده داشت. در نزدیکی این باغچه و حسینیه آقا شرف سقاخانه‌ای هست که مردم آن را به نام بانی‌اش سقاخانه علیخان نامیدند.»

سقاخانه خدابنده‌لو را یکی از معدود سقاخانه‌های مصور تهران به‌شمار می‌آورند. روی کاشی‌های فیروزه‌ای



سقاخانه تصویر حضرت ابوالفضل (ع) حک شده است. شفیع می‌گوید: «برخی می‌گویند سقاخانه خدابنده‌لو یکی از نخستین سقاخانه‌های مصور تهران است. محرم که از راه می‌رسد و اهالی برای حاجت‌روا شدن در این سقاخانه شمع روشن می‌کنند، تصویر منقش روی کاشی‌های سقاخانه زیر نور شمع می‌درخشد و در تاریکی کوچه جلوه‌ای خاص پیدا می‌کند.» سقاخانه باغچه‌علیخان اگرچه در جریان ساخت‌وسازهای اطراف تنها مانده و در دوره‌ای برخی از کاشی‌های منقش آن تخریب شده، اما چنان مورد احترام اهالی بوده که متولیانی از میان ساکنان محله داشته است.

بنای ساده و بی‌آلایش سقاخانه علیخان یا خدابنده‌لو در کوچه‌ای به همین نام، دهه‌هاست که میعادگاه عاشقان اهل بیت (ع) است. اهالی محله تاریخی پامنار، زائران امامزاده اسحاق (ع) و رهگذرانی که به‌هوا خرید از مراکز تجاری بازار عودلاجان و پامنار گذرشان به این محدوده می‌افتد، با آب گوارای این سقاخانه گلوبی تازه می‌کنند و صلواتی می‌فرستند؛ همان سقاخانه کوچک با تصویری از سقای دشت کربلا که محرم و صفر با شمع‌های نذری نورانی می‌شود و چند دهه است که شاهد عزاداری عاشقان اباعبدالله (ع) است. محسن شفیع، یکی از اهالی محله قدیمی پامنار، درباره قدمت